

در دولت سیزدهم
به این سمت
رفتیم که نظامی از
شفافیت اطلاعات
اقتصادی درست
کنیم و کسانی
که باید مالیات
بدهند، از کسانی
که نباید مالیات
بدهند واقعاً متمایز
شوند. در سال ۱۴۰۰،
به اندازه نصف کل
سال‌های اقتصاد
ایران فقط مؤدی
مالیاتی جدید
شناسایی کردیم.

کردیم: ۲ میلیون و ۲۰۰ هزار مؤدی مالیاتی؛ درحالی‌که تعداد کل مؤدیان پیش از این دولت بیشتر از ۴ میلیون نبوده است. خوب این اقدامی بود که داشت نشان می‌داد که چه اتفاقی دارد در حوزه مالیاتی می‌افتد؛ در حوزه روابط درم تئیده‌ای که حتی جریان‌های سیاسی منتقد جمهوری اسلامی، سال‌ها از نظام شرکت‌های دولتی و بانک‌های خصوصی در خود ایران ارتزاق می‌کردند. تمام پشتیبانی‌های مالی و تبلیغاتی، حتی در عرصه‌های هنری و مانند این‌ها، در جریان دگراندیش، همه، آبشخورهای ارتزاقشان دوباره برمی‌گشت به خود شبکه بانک‌های دولتی و شرکت‌های دولتی و شرکت‌های بزرگ ملی که در کشور وجود داشت و می‌آمدند پشتیبان تولید محصولات و محتواها می‌شدند. وقتی ما اولین بار تمام این اطلاعات اقتصادی نه فقط شرکت‌های دولتی، بلکه شرکت‌های زیرمجموعه مناطق آزاد، زیرمجموعه بنیاد مستضعفان، زیرمجموعه فدراسیون‌های ورزشی کشور و نظایر این را شفاف می‌کنیم، باز آن‌ها ذی‌نفعان کاملاً متوجه و حساس می‌شوند. از این به بعد، حداقل ادامه دادن کارشان سخت‌تر است و به آن راحتی نمی‌توانند از کشور ارتزاق کنند. در حوزه مباحث بانکی و سیاست‌های مرتبط با تسهیلات‌گیرندگان و شفافیت درباره بدهکاران بزرگ بانکی، کار این قدر سخت به نظر می‌رسید که وقتی وزیر اقتصاد با مدیران عامل بانک‌ها مطرح می‌کند که این کار را انجام بدهیم، خود آن‌ها موضع می‌گیرند که با این کار، ما مشتری‌انمان را از دست می‌دهیم! یعنی نمی‌خواهند از مناسبات قدیم دل بکنند، درحالی‌که می‌دانند خود آن‌ها باید اولین مدافعان باشند و به دولت بگویند اجازه بدهید ما این‌ها را شفاف کنیم تا بدحسابی برای این بدهکاران به قدری پرهزینه باشد که بیایند تسویه کنند یا حداقل متوجه شویم در جای دیگر نباید به آن‌ها تسهیلات جدید بدهیم. منظوم از این حرف‌ها این است که مسیرهای گذار و تحول روشن بود که باید چه اتفاقاتی بیفتد؛ اما آن چسبندگی‌ها اجازه نمی‌داد، مگر اینکه کار به جایی برسد که دیگر الزام کنیم که آقای مدیرعامل، اگر این کار را مثلاً در روز ۲۲ فروردین انجام ندهی، دیگر مدیر این بانک نخواهی بود.

تعبیر دولت رفاه نفتی، تعبیر روشن‌گر و ویژه‌ای است؛ یعنی می‌تواند در سه کلمه، یک صورت‌بندی نظری از اقتصاد ایران به ما بدهد و اینکه نشان دهد دولت در ایران وقتی به شمایل اقتصاد درمی‌آید، به چه چیزی تبدیل می‌شود. حال وقتی شما گفتمان «عدالت و جمهوریت» را به منزله گفتمان دولت سیزدهم برگزیده‌اید، می‌خواهید این دولت رفاه نفتی را به چه دولتی تبدیل کنید؟

گام اولی که به نظر من تحول از این گذرگاه شروع می‌شود، این است که دولت رفاه نفتی کاملاً شکننده را اول باید به دولت رفاه غیرشکننده تبدیل کنیم.